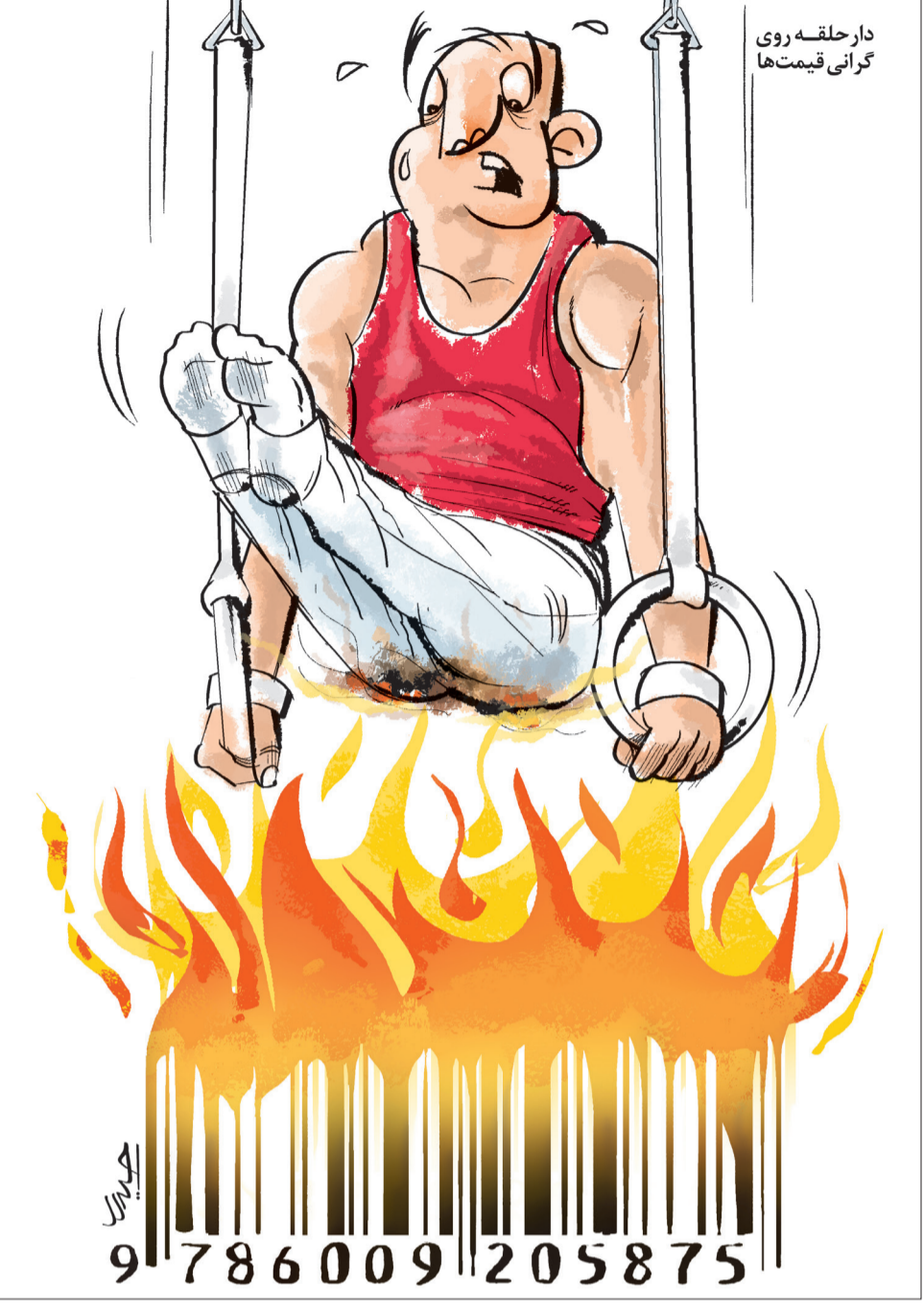




هادی حیدری

دارحلقه روی
گرانی قیمت‌ها



وعدای داده شد و نه اکثریت رای دهندگان چنین انتظاری داشتند. اما ادامه روند گذشته با حداقلی از تغییرات غیر ملموس هم قابل قبول نیست. به عنوان مثال در وزارتخانه‌هایی که ماهیت فکری، سیاسی و اجتماعی پررنگ‌تری دارند مثل وزارت کشور، ارشاد، علوم، آموزش و پرورش، و حتی وزارت اطلاعات، انتظار تغییر ملموس می‌رود. یعنی اگر در این وزارتخانه‌ها تغییری همسوس با رای مردم داده نشود، پیام بسیار بدی داده خواهد شد و پزشک‌ها ناچار به مواجهه با پرسش‌های سختی از جانب رای دهندگان و حامیان‌شان خواهد بود.»

این فعال سیاسی تأکید می‌کند: «بالاخره رایی داده شد که تغییری حاصل شود، وگرنه با فرض تداوم رویکردهای قبلی با حداقل تغییرات کم اهمیت همان جریان اصولگرا با نام و مشخصات خودش بماند که بهتر است. متأسفانه برخی اخبار و اطلاعات و شایعات این روزها، در این باره نگران کننده است که البته دلیل اصلی اش ناشی از استعلام‌هاست و اینها باید شفاف شود.» او به رئیس جمهور پیشنهاد می‌کند که پس از این همه کش و قوس برای انتخاب کابینه از طریق کارگروه‌های متعدد و شورای راهبری منتخب خود ایشان، نترات برگزیده این شورا به مردم معرفی شوند و معلوم شود کابینه‌ای که نهایتاً معرفی می‌شود، در وزارتخانه‌ها و معاونت‌های رئیس جمهور، چندمین نفر در لیست شورای راهبری بوده‌اند.» او با بیان اینکه صحنه سیاست باید از آنچه هست شفاف‌تر شود، می‌گوید: «دکتر پزشکیان هم که قول صداقت و شفافیت به مردم داده‌اند لطفاً این کار را از همین مرحله معرفی کابینه آغاز کنند. مطمئناً چنین رویکردی مانع بسیاری از سنگ اندازی‌ها خواهد شد، حد و حدود تاثیر واقعی رای ملت را روشن و انتظارات را معقول می‌کند. همچنین نور بر تاریکخانه افراد و نهادها و جریان‌های مؤثر بر سرنوشت مردم می‌افکند. اگر دوره انصاف و حق محوری است، این حق مردم است که واقعبینان جاری در حاکمیت که مؤثر بر سرنوشت‌شان است را ببینند.»

چانه‌زنی با مجلس پیش از معرفی

احمد بخشایش اردستانی، نماینده اردستان در مجلس اما نگاهی دیگر به موضوع انتخاب کابینه چهاردهم دارد. او که از شورای راهبری به عنوان شورای آقای ظریف یاد می‌کند، به هم‌میهن می‌گوید: «آقای پزشکیان شخصیت جالب توجهی هستند. هم صداقت دارند هم شفاف هستند. این جمله امام علی (ع) را هم زیاد بیان می‌کنند که کسی که مستبد به رای باشد، هلاک می‌شود. در حال حاضر شورای راهبری یا شورای آقای ظریف در این مسئله معرفی اعضای کابینه نقش زیادی دارد. از روی شنیده‌ها خدمت‌تان عرض می‌کنم که در این شورا به افرادی نمره و امتیاز می‌دادند که خودشان دستی بر آتش داشتند. مثلاً کسانی که نهادهای دام وارد می‌کنند، طبیعتاً وزیر معرفی کنند که در آینده وزیر آن‌ها باشد. این مسئله را راجع به همه اعضای مطرح شده برای کابینه شنیده‌ام.»

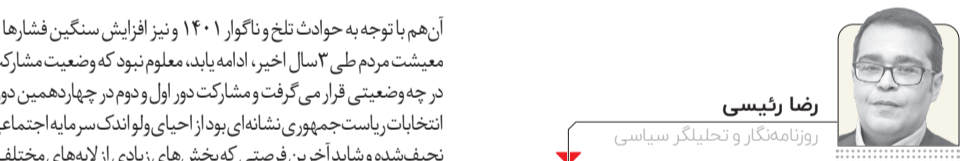


او به این موضوع اشاره می‌کند که وزیران محصل مشترک رئیس جمهور و مجلس هستند؛ به این معنا که رئیس دولت وزرا را معرفی می‌کند و مجلس رای اعتماد می‌دهد: «یک راه این مسیری است که پزشکیان دنبال می‌کند و راه دیگر این است که قبل از معرفی، چانه‌زنی‌ها بین مجلس و رئیس جمهور انجام می‌گیرد. من سه مرتبه با رئیس جمهور دیدار داشتم ولی راجع به کابینه معمولاً سکوت کردند. آنجایی هم که نامی بردند، یک یا دو تا اسم بردند که بیشتر از شورای ظریف درآمد بود. اگر به فرض ایشان کابینه را به مجلس معرفی کند و پارلمان به قول معروف کابینه را بیاندازد، خیلی جالب نیست. در بدو امر بهتر است که چانه‌زنی‌ها قبل از معرفی صورت بگیرد.» این نماینده مجلس تأکید می‌کند که رئیس جمهور به طور مسلم از طرف شورای راهبری در تنگنا و فشار است: «بالاخره ایشان درگیر کار است و از این جلسه به آن جلسه می‌رود و شاید کار را به شورای راهبری سپرده باشد، ای کاش شورا بخشی از نمایندگان مجلس را دعوت می‌کرد تا نقطه نظرات آن‌ها نیز شنیده شود. البته همیشه به همین صورت بوده است. مثلاً ظریف، عراقچی را به جای خود می‌فرستد. دیگری مثلاً وزیر آموزش و پرورش را معرفی می‌کند. پزشکیان مجزا از بقیه رئیس‌جمهورها نیست. معمولاً آدم‌ها پیروزی را مربوط به خودش می‌دانند و شکست را محصول عوامل متعدد دیگر تفسیر می‌کنند.» او با اشاره به این گفته معاون پارلمانی رئیس جمهور که پزشکیان هیئت وزیران را به رهبری معرفی می‌کنند و کار با تأیید ایشان پیش می‌رود، ادامه می‌دهد: «فکر نمی‌کنم نیاز به مطرح شدن این نکته باشد. بالاخره رهبری فرمودند که به رئیس جمهور کمک کنیم و ایشان هم به حساسیت‌های مجلس توجه کند. دیگر نیازی نیست که مرتب اسم برده شود.»

بحث استعلام‌ها هم که طبیعی است. وقتی شخصی می‌خواهد در جایگاهی مثل وزیر قرار بگیرد، باید مورد تأیید نهادهای نظارتی و امنیتی باشد. در هر صورت، رئیس جمهور آزاد است که افراد مورد نظر خود را معرفی کند اما شاید شورای راهبری می‌خواهد افرادی تند و تیز را معرفی کند که رد شوند و سپس افراد بعدی خودشان را معرفی کنند. اینکه استعلامی از نهادهای مسئول گرفته شود و آن‌ها نظر منفی بدهند، به معنای فشار بر رئیس جمهور نیست. فشار این است که نظر نهاد نظارتی در خصوص فرد یا افرادی منفی باشد، اما فشار برای به کارگیری او وجود داشته باشد و بگویند این مسئله ایرادی ندارد.»

بخشایش اردستانی با اشاره به اینکه هنوز از ترکیب نهایی وزرای پیشنهادی خبر ندارد، اضافه می‌کند: «اما پزشکیان گفته است که می‌خواهند کابینه‌اش، کابینه وفای ملی باشد. می‌شود وزرایی از دولت پیشین هم در کابینه باشند که وزرای قوی و خوبی بودند یا مدیران توانمندی هستند. جایی دیدم که رئیس جمهور گفته است «می‌خواستم امیر حسین قاضی‌زاده‌هاشمی را برای وزارت بهداشت معرفی کنم اما دوستانم قبول نکردند.» ما گفتیم چرا می‌خواستید ایشان را انتخاب کنید، گفتند که آقای قاضی‌زاده‌هاشمی از لحاظ علمی قوی هستند. ولی دوستان شورای آقای ظریف گفته بودند نه. ما هم دوست داریم که کابینه پزشکان کابینه موفقی باشد. چون کابینه موفقی، باعث سرفرازانی انقلاب اسلامی خواهد بود و خواهد بود ناموفق میوه و پرچم انقلاب را پایین می‌آورد. نوع محبتی که مقام رهبری به آقای پزشکیان داشتند، نسبت به دیگر رؤسای جمهور کمتر دیده شده. شاید به این دلیل که رهبری نمی‌خواهند فاصله‌ای که در گذشته میان جایگاه رهبری و دولت‌های خاتمی و روحانی پیش آمد، دوباره به وجود بیاید.» این نماینده مجلس عنوان می‌کند: «با اینکه ما فراکسیون مستقلین ولایت بودیم و نظرمان این بود که افرادی از مجلس هم در این روند حضور داشته باشند، ولی پیشنهاد ما را قبول نکردند. برای اعلام نظر درباره ترکیب کابینه باید ببینیم که شاخص‌های مد نظر رهبری و مجلس را دارند یا نه. باید ببینیم نترات پیشنهادی واقعاً خودشان هستند یا قرار است دیگران را نمایندگی کنند.»

سهم خواهی سیاسی یا مطالبه گری اجتماعی



رضا رئیس

روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی

به آخرین لحظات و ساعات‌های معرفی کابینه چهاردهم نزدیک می‌شویم، فرآیندی ماراتن گونه و پرفرازونشیب که به درازا انجامیدن آن فراتر از انتظارها، خود نشانگر آن است که شخص رئیس‌جمهوری و تیم همسراه او با چه فرازوفروها و فیض‌بسط‌هایی مواجه بوده است. البته که تغییر دولت و ریل‌گذاری تازه ساختار اجرایی آن هم در دولت فربه و بیسپد در ساخت قدرت جمهوری اسلامی، به‌خودی‌خود امری شاق و سخت است؛ با توجه به شرایط خاص برآمدن این دولت و انتخابات‌آزیز برنامه‌ریزی نشده. به‌خصوص آنکه مسعود پزشکیان سابقه حزبی و تشکیلاتی نیز نداشته و تیم و حلقه مدیران سیاسی همانند آنچه گرداگرد هاشمی یا خاتمی و حتی احمدی‌نژاد وجود داشت، برای او مهیا نبوده است و در این فرصت کم و این فقدان حلقه خاص شناخته‌شده پیرامونی و شرایط عمومی کشور، کار او دوصد چندان سخت‌تر نیز بوده است. عطف به همین عقبه و سابقه، حال سوال اینجاست که به‌عنوان حامی گفتمانی مسعود پزشکیان یا مدافع‌مفید شرایط و اوضاع و احوال کشور، واکنش ما در این لحظات تعیین‌کننده و حساس باید چگونه باشد؟ آیا رای دادن در روز انتخابات از مافع تکلیفی می‌کند و می‌بایست کنج عاقبت بجوییم و با سکوت اختیار کنیم تا پزشک‌ها و هم‌راهان با طیب خاطر به قلب ماجرا بزنند و نیازی به یاری و همراهی ما ندارند؟ یا آنکه مطالبه‌گری ما از آن حیث که تعبیر به سهم‌خواهی نگردد، از حیز انتفاع ساقط شود و ما حکم یک تماشاچی صرف را داشته باشیم و در نهایت پس از حدوث واقعه لب به تمجید یا گلایه بگشاییم؟ شاید در پاسخ به این سوالات در ابتدا لازم باشد گریزی کوتاه و مختصر به اردیبهشت سال ۱۳۹۶ بزنیم؛ جایی که سرمایه اجتماعی در رفیع‌ترین قله خود قرار داشت و بیش از ۴۱ میلیون شهروند به میدان انتخابات آمدند تا بعد از ۴۰ سال حکومت‌داری و فرازونشیب‌های بسیار و تبلیغات و... به دور روحانی شناخته‌شده در نظام رای دهند. از فردای آن انتخابات شورانگیز اما مسیری دیگرگونه یافت و چند انتخابات مایوس‌کننده نشان داد که سرمایه اجتماعی چه تقلیل و فروکاستی یافت که البته متغیرهای متعدد و فراوانی در آن دخیل بودند. اما در وجه ایجابی بی‌گمان معرفی کابینه دوازدهم تأثیر بسزایی در ثبوت چنین وضعیتی داشت. جایی که روحانی برخلاف وعده‌های تند و آتشین در موسم انتخابات و برخلاف انتظارات کابینه‌ای را چید که باب میل حامیان و نیز همسوسا انتظارات نبود. بدون شک اگر قرار بود روند نزولی چند انتخابات اخیر،

آن هم با توجه به حوادث تلخ و ناگوار ۱۴۰۱ و نیز افزایش سنگین فشارها بر معیشت مردم طی ۳ سال اخیر، ادامه یابد، معلوم نبود که وضعیت مشارکت در چه وضعیتی قرار می‌گرفت و مشارکت دور اول و دوم در چهاردهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری نشانه‌ای بود از احیای ولو اندک سرمایه اجتماعی تحریف‌شده و شاید آخرین فرصتی که بخش‌های زیادی از لایه‌های مختلف و متکثر جامعه به منتخبی دادند که از احقاق حقوق محذوفان چند دهه اخیر از ساختار قدرت گفت از حضور جوانان و زنان و اقوام و اقلیت‌های مذهبی در بدنه قدرتی که از آنان دریغ شده بود و می‌توانست و می‌تواند احیاگر سرمایه اجتماعی در بین صنفی باشد که چشم به شعارهای حق‌گرای و انصاف‌ورزی و عدالت‌محوری رئیس‌جمهوری دوختند و امید دارند که تبلور آن را در همین وهله آغازین دولت چهاردهم ببینند و تفاوت را حس کنند. وقتی مسعود پزشکیان از «دولت وفای ملی» گفت، این امیدواری دوچندان نیز شد؛ چرا که دولت وفای ملی به‌معنای به‌کارگیری از لایه‌های مختلف و متنوع از متخصصان و کارآمدان، بیرون مانده از حلقه‌های مدیران همیشگی قابل تفسیر و تعبیر بود؛ اما طی چند روز گذشته و با اخبار ضدیقضتی که از معرفی افراد کابینه به گوش می‌رسد، کابینه وفای ملی به مثابه شرکت سبهامی سیاسی دیده شده که از طیف‌های مسوق به سابقه هر کدام بخشی و نقشی در دولت داشته باشند و وفای ملی به معنای وفای سیاسی گرفته شده است که اگر این وضعیت محقق شود، به معنای آن خواهد بود که در بر همان پائشنه قبلی خواهد چرخید و این می‌تواند ضرب‌های مهلک و بزرگ به سرمایه اجتماعی دولت در همین آغازین گام بزند، دولتی که آن سرمایه هفتگت سال ۱۳۹۶ را هم در چنته و انبان خود ندارد و یک مختصر امید تحریف ایجاد شده‌ای دارد که شککننده و بر لبه تیغ است. حال ما چه می‌توانیم انجام دهیم؟ واقعیت آن است که اگر سیاستمداران و اصحاب مکتب و قدرت اندوخته‌های رسانه‌ای و سیاسی پرمیانی دارند، مردم عادی هم چنته خالی ندارند و با بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های کوچک و اندک خود می‌توانند در هم‌افزایی و هم‌نوایی با یکدیگر صدای بلند و رسایی داشته باشند، فقط کافی است سکوت و انفعال نداشته و مطالبه‌گری شفقتانه و خیرخواهانه‌ادر کنار یکدیگر بی‌بگیرند و بر شاخص‌های اعلامی رئیس‌جمهوری تأکید و تصریح و بزرگوار و از اصناف برچسب‌سهم‌خواهی نترسند! مگر نه این است که مردم صاحبان اصلی مملکت هستند، مگر نه اینها به رئیس‌جمهوری رای دادند که از تغییر و اصلاح می‌گفت، مگر نه این است که همین مردم در تلاطم‌های پیش‌رو بزرگترین سرمایه دولت برای عبور از مشکلات و موانع هستند؟ آنان در این بزنگاه حق و وظیفه دارند که مطالبه‌گری کنند و یاریگر رئیس‌جمهوری در برابر فشارهای سیاسی‌ساز باشند تا آنکه بعدتر انگشت حسرت بزنند و دچار یأس و ناامیدی شوند که خیر و صلاح دولت و ملت‌تی‌شک در چنین فرآیندی نخواهد بود.